

جزیره‌ای
برای
تبعید
کاغذپاره‌ها

مجید تیموری



مترجمه

فهرست

- ۷ از نردبانی که آن جا گذاشته‌اند
- ۱۳ من داوطلبم
- ۱۷ جزیرهٔ لارنزو
- ۲۱ لیسمانجوی شورشی
- ۲۳ شما نویسنده یا کودتاجی را فراری داده‌اید
- ۲۹ تونلی فرعی
- ۳۳ آسانسور
- ۳۷ ردیف دوم، صندلی پنجم
- ۴۳ به نفر بعدی علامت می‌دهند
- ۴۷ اسم اصلی یک نمایش‌نامه
- ۵۱ ساعت هواخوری
- ۵۵ جای گلوله‌ای در پشت مجسمه
- ۵۹ شترها در جنگ خواب نمی‌بینند

از نردبانی که آن جا گذاشته اند

تنها چیزی که تو را به این جا کشانده، سند مالکیت زمین هایی است که از پدر بزرگ به ارث رسیده (البته هیچ وقت پدر بزرگ را ندیده ای). وکیل گفته بود: بعد از رد شدن از این کوهستان به شهری می رسی که نیمی از زمین های آن به تو تعلق دارد. حرکت می کنی. مه در بالای کوه آن قدر سنگین شده که همه چیز را می بلعد. جلوتر از چند متری خود را نمی بینی. مثل این که اثری از شهری که روی نقشه علامت گذاری شده وجود ندارد. صدایی می شنوی.

: ایست!

به این طرف و آن طرف نگاه می کنی. یک نفر با شنل و کلاه و باتوم جلو می آید.

: کارت شناسایی!

بعد از نگاه کردن به مدارک و بازرسی بدنی اجازه ورود می دهد.

: لطفاً به باجه شماره ۲۷ مراجعه کنید.

از مأمور گمرک جدا می شوی (البته این تنها اسم مسخره ای بود که از ذهنت گذشت). از یک راهرو تاریک می گذری. به حیاط بزرگی می رسی. روی تمام اتاق ها شماره ای وجود دارد. وارد شماره ۲۷ می شوی.

: آقا ببخشید! به من گفته اند...

جزیره لارنزو

: به جزیره لارنزو خوش آمدید.

کاپیتان با ریشخندی روی عرشه کشتی این جمله را تکرار می‌کند: به جزیره لارنزو خوش آمدید.

شصت نفر از ما در یک محاکمه تشریفاتی محکوم و بعد از یک مارش نظامی به این جا تبعید شده‌ایم. معلوم نیست از گوشه کنار دنیا چند شصت نفر دیگر به این جا فرستاده شده‌اند.

: فکر می‌کنم کسی که در میان توفان‌های برفی گیر می‌افتد و صورتش یخ می‌زند، احساس بهتری دارد تا کسی که در هوای شرجی این جا نفس می‌کشد. تمام اسکیموها این جمله را برای تازه‌واردها تکرار می‌کنند.

هر روز مجبوریم از ساعت ۱۱ صبح تا ۴ بعد از ظهر جلو آفتاب بنشینیم، هوای شرجی این جا را استنشاق کنیم و در دمای ۵۰ درجه بالای صفر کاپشن اسکیموها را بپوشیم. هر کس هفت صدف ماریچی پیدا کند اجازه دارد بخوابد و گرنه تا چهار صبح باید بیدار بماند.

در باز می‌شود استوار «Eleven o'clock» ما را به هواخوری می‌برد. البته این اسم را تبعیدی‌ها برای او انتخاب کرده‌اند.